**هفت اثر کلیدی در جنبش زنان ایران**

**درس نظریه های انسان شناسی**

**دوره دکتری**

**مرضیه مددی دارستانی**

**استاد محترم**

**دکتر ناصر فکوهی**

**فهرست مطالب**

* هدف ها و مبارزه زن ایرانی: از انقلاب تا سلطنت مشروطه
* زنان پیشگام ایرانی: خدیجه افضل وزیری(دختر بی بی خانم استرآبادی)
* نشریات ویژه زنان: سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر
* ضعیفه:بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی نوشته بنفشه حجازی
* جنبش حقوق زنان در ایران، طغیان، افول، سرکوب، از 1280 تا انقلاب57
* خاطرات مریم فیروز (فرمانفرمائیان)
* **زنان زیر سایه پدر خوانده ها**

**هدف ها و مبارزه زن ایرانی: از انقلاب تا سلطنت مشروطه**

در این کتاب با استفاده از اسناد و مدارک نویافته ها، گزارش های روزنامه ها و مجله های آن دوره، تلاش شده است تا ابعاد گوناگون فعالیت ها، هدف­ها و مبارزه زن ایرانی در سالهای بین انقلاب مشروطه تا سلطنت رضاشاه توضیح داده شود. این هدف ها برخلاف تصور رایج فقط به حوزه­ی سیاست و مشارکت طلبی سیاسی و اجتماعی زنان محدود نمی شد بلکه حوزه ها و عرصه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی زنان را در بر می گرفت. زنان آزاداندیش و ترقی خواه ایران از یکسو تلاش گسترده ای برای دگرگون سازی و نوسازی روابط و مناسبات زن و مرد در محیط های خانواده و جامعه به عمل می­آورند،افکار،اخلاق،رفتار و عادت های زن ایرانی و.... را نقادی می کردند و جایگزین های مناسب برای آن را ارائه می کردند و از سوی دیگر به مبارزه همه جانبه برای دستیابی به حقوق فردی واجتماعی،مشارکت در حیات سیاسی و اجتماعی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب مشروطه و استقلال و ترقی ایران و... می پرداختند. در این پژوهش هریک از این عرصه ها و زیرمجموعه های آن مورد بررسی قرار می گیرد،روش هایی که زنان برای دستیابی به هدف های خویش به کار می بردند،همکاری و همیاری مردان با آنان برای تحول زندگی زن ایرانی،ضعف ها و قوت های زنان در این مبارزه و همچنین دستاوردهای آنان و موانعی که بر سر راه مبارزه زنان قرار داشت و... توضیح داده می شود.

کتاب شامل دو بخش وهفت فصل است. موضوعات محوری کتاب عبارتند از: مشارکت طلبی زنان، مبارزه و تلاش برای تاسیس مدارس دخترانه، مبارزه برای تغییر فرهنگ مردسالار، حمایت و مشارکن در تاسیس بانک ملی ایران، تحریم کالاهای وارداتی و حمایت از صنایع داخلی، فعالیت زنان مشروطه خواه در مهاجرت و در داخل کشور، حمایت مالی از مبارزه مشروطه خواهان، شرکت زنان در مبارزه­ی مسلحانه و سیاسی،هویت زن ایرانی، دستیابی به هویت نو، حق رأی، ورود زن به صحنه تئاتر، اشتغال زنان، تشکل ها و انجمن های زنان، روزنامه ها و مجله های زنان،

زنان تجدد طلب ایرانی در شرایطی برای احقاق حقوق مدنی و تغییر شرایط زندگی زنان به پا خواستند که مردم ایران برای دگرگون سازی و نوسازی سیاسی،اجتماعی،اقتصادی جامعه مبارزه می کردند. به این ترتیب مبارزه زن ایرانی در پیوند با دو نهضت ملی و بین المللی،یعنی مشروطه و جنبش زنان قرار گرفت و باید آن را به عنوان بخشی از این دو نهضت به شمار آورد. زنان ایرانی که در منطقه خاورمیانه پیشرو بودند،اگرچه نتوانستند با تشکل های زنان دیگر کشورها ارتباط گسترده و استواری برقرار کنند اما تحت تأثیر آن قرار داشتند و تلاش می کردند به عنوان بخشی از جنبش جهانی زنان فعالیت کنند.

**زنان پیشگام ایرانی: خدیجه افضل وزیری(دختر بی بی خانم استرآبادی)**

در پژوهش های تاریخی و علوم انسانس موجود در ایران، آنچه که کمتر به چشم می خورد، مطالعه زندگی زنان برجسته ایرانی دوره معاصر است. همین امر موجب شناخت محدودی از تلاش های فردی و اجتماعی زنان پیشگام ایرانی در تاریخ سرزمین ما شده است، زنانی که در بطن وقایع مهم تاریخی و اجتماعی نقش آفرین بوده و به بیان مطالبات خود پرداخته اند.

از مطالبات زنان طی سال های متمادی، حق دسترسی به دانش و کسب علم بوده است. فعالان و مبارزان در حوزه زنان بر این نظرند که فرودستی تاریخی زنان اساساً ناشی از عدم برابری در حصول دانش نسبت به مردان است و تلاش آنان در رسیدن به راه های رفع این نابرابری از جمله پیکارهای درخشان تاریخ بوده است. حال اگر به گوشه ای از این تاریخ دست یابیم و با زندگی زنانی از میان افراد شاخص زمان گذشته و تجربیات آنان آشنا شویم، می توانیم فضای زمان را در دقت خاطرات و از نگاه آنان بازسازی کنیم. و این امر موهبتی است که جز با کار موشکافانه تحقیق به انجام نمی رسد.

شرح زندگی و فعالیت های خانم افضل وزیری،مرهون چنین تحقیقاتی است که به واسطه شناخت خاستگاه فرهنگی و بستر اجتماعی زندگی زنانی نظیر وی،دلایل عدم حضور تاریخی زنان و صدای آنانآشکار می شود. در عین حال می توان در پرتو این زندگینامه صدای گام های مادر وی، بی بی خانم استرآبادی را بر جاده های پرپیچ و خم مبارزات زنان شنید.

خدیجه افضل وزیری در سال 1308 قمرس چشم به جهان گشود.وی پنجمین فرزند بی بی خانم است. بی بی خانم از مبارزان و پیشگامان زمان خود در دوره مشروطیت و از زنان فعال و مبارز در زمینه حقوق زنان در آن دوره و نیز موسس دبستان دوشیزگان است. منابعی از او در نشریات سال های نخست انقلاب مشروطیت مانند تمدن،حبل المتین،مجلس و نامه ها و سخنرانی ها و نیز رساله او به نام معایب الرجال وجود دارد. همچنین نوشته هایی از خانم افضل ، دختر کوچک بی بی خانم در نشریات شکوفه، عالم نسوان، شفق سرخ و ایران نو منتشر شده است.

متنی که کتاب حاضر بر اساس آن تدوین شده بخشی از بازگویی این تاریخ شفاهی و از خاطرات شخصی خانم خدیجه افضل وزیری بر اساس نواری است که در سال 1351 تهیه و ضبط شده بود و به وسیله ی فرزند ایشان خانم مهرانگیز ملاح به نگارش درآمده است. سخن افضل وزیری بسیاری از زوایای تاریک تاریخ بی صدای زنان را روشن می کند. خاطرات این زن ایرانی دوره ی مشروطیت در مقایسه با سایر زنان هم عصرش از این جهت تفاوت اساسی پیدا می کند که در زمانی که دختر خردسالی بود به پیشنهاد و حمایت مادرش بر او لباس پسرانه پوشانده و اسم پسرانه رویش گذاشته و با برادرانش به مدرسته فرستاده تا درس بخواند و پس از انکه به ناچار مدرسه را برای پیشگیری از دردسر مسئولان آن ترک کرد، پا به پای برادرانش برای یادگیری و کسب دانش تلاش و بر این حق انسانی خود پافشاری می کند؛ به همین دلیل لقب افضل را بر او گذاشتند. از ابتدای جوانی نیز پیوسته به مسائلی که زنان با آن روبرو بودند توجه خاص داشت و به تغییر آن می اندیشید. از اینکه دختران در دستیابی به دانش نمی توانستند مانند پسران آزاد باشند رنج می کشید و به تفکر عقب نگهداشتن زنان از سوی مردان انتقاد می کرد.

سبک نگارش کتاب حاضر گویای بیان جاری و زنده ای است حاکی از نگاه زنانه که با توصیف دقیق زندگی روزمره تلفیق شده و خواننده را در آنیختگی شور وشر زمان و مکان خویش قرار می دهد و دریچه ی جدیدی را به جنبه های هتی شناسانه ی یک زن می­گشاید: از حماسه­ی مادری و اراده­ی زنده ماندن تنها به خاطر حفظ فرزندانش گرفته تا حماسه­ی شکستن چارچوب­های کهنه که عمل پیشروان راه است و بار دیگر این حقیقت را یادآور می­شود که اگر زنان دیروز امکان دستیابی برابر به دانش و تجربه اجتناعی داشتند تاریخ امروز ما و دنیا تا بدین حد از نقش آنان خاموش نبود.

**کتاب نشریات ویژه زنان: سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر**

اثری که پیش رو دارید، چهارمین کتاب چاپ اول از مجموعه کتابهای بخش مطالعات زنان است.شاید یکی از معیارهای سنجش آزادی در جوامع بشری در سراسر جهان، میزان آزادی مطبوعات است وباز شاید به همین دلیل هر حزب ، گروه و یا جریان فکری به محض آنکه شکل گرفته و یا حتی هسته اولیه آن نطفه بسته است، به عنوان اولین کنش عملی، به انتشار نشریه یا خبرنامه یا بولتن داخلی اقدام کرده است.

جنبش زنان نیز از این قاعده مستثنی نیست. اگر به تاریخچه مبارزات زنان جهان برای کسب حقوق انسانی و رفع تبعیضات جنسیتی بنگریم، در می یابیم که در هرجا که این حرکت شکل گرفته، حتی در مراحل آغازین، اولین اقدام، انتشار نشریه برای بیان مسائل و موانع و همچنینی شناساندن اهداف و آرمان های آتی بوده است.اما در کشور ما خبر و اطلاع رسانی قصه دیگری دارد. اینجا از دیرباز سرزمین فرهنگ شفاهی و شنیداری است. بی شک زنانی که جان و هستی خود را به قمار گذاشتند و خطر آگاه کردن زنان را پذیرفتند و بار چنین رسالتی را بردوش کشیدند، حقی بزرگ به گردن زن و مرد ایرانی دارند. در جامعه ای که زنان جایی جز اندرونی های بسته و زندانهای خانگی نداشتند و با سواد بودن گناه و خلاف محسوب می شد، در کشوری که حتی انقلاب مشروطه اش هم برای زنان دستاوردی نداشت و آنان را یعنی نیمی از پیکر جامعه را نادیده گرفت و در کنار جانیان و سفیهان و مجانین و ورشستگان به تقصیر از حقوق سیاسی و مدنی محروم کرد و صدای اعتراضی هم برنخواست،زنان دریادلی مه برای اولین بار به شرح مصائب و کمبودها و رنج­های زنان پرداختند،خود،قهرمانان واقعی و ملی ما بودند که با سلاح قلم به جنگ دیو نادانی و عقب ماندگی رفتند و راه نابودی تلاش برای احقاق حقوق نداشته­ی زن ایرانی را اگرچه ناهموار، ساختند تا دیگران گشاده وهموارش سازند.

در مورد زنان جامعه ایران متأسفانه دو جریان را تاپیش از پیروزی انقلاب اسلامی داشته ایم که هردوی آن ها به تخریب هویت زن کمک کرده اند:

1. جریان در دوره ی اریان قاجار شکل گرفت

زنی که در شرایط سنت های متحجر و ارتجاعی حضور پیدا می کرد دو مشخصه داشت: جهل و بی پناهی

بی پناهی از آن حیث که هیچ گونه عامل اتکایی برای بقای خودش نداشت. ما شاهد زنانی هستیم بدون تکیه گاه وبدون آگاهی که نمونه هایی از آنان را به کرات در ادبیات مان و حتی در آثار فلسفی و سیاسی مان می بینیم.

1. جریان بعدی در دوران پهلوی اتفاق افتاد. در این مرحله هم شاهدیم که قرار است زن از آن انزوا و فراموشی بیرون بیاید،ولی به شکل دیگری از ارزش ها و هویت انسانی خود فاصله گرفت.

یک طرف در بینش تحجرگرایانه سنتی،زن انکار شد و یک طرف در بینش غرب گرایانه مدرن ، تحریف شد.اگرچه با ورود به دوره­ی اسلامی پس از انقلاب هویت واقعی زن تا حدودی احیا شد اما هنوز هم ما شاهد بقایای این بینش تا به امروز در جامعه خودمان هستیم.

**ضعیفه:بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی نوشته بنفشه حجازی**

پس از چاپ جلد اول این مجموعه یعنی «زن به ظن تاریخ« در سال 1371 و جلد دوم آن «به زیرمقنعه» درسال 1376، اکنون جلد سوم ، «ضعیفه» چاپ شده است. جلد اول معطوف به بررسی جایگاه زن ایرانی، قبل از اسلام بود؛ جلد دوم به این بررسی از قرن اول هجری تا عصر صفوی پرداخته بود و ضعیفه به بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی اختصاص دارد.

برای روشن تر شدن وضعیت زنان در این دوره به سال های زمینه ساز ظهور سلسله صفویه برگشت شده است که علت تکرار بعضی از اسامی در این جلدبرگشت به دوره تیموری و تاکید بر سلسله های قراقویتلو و آق قوینلو است. بررسی به سال به تخت نشستن نادرشاه افشار در 1148 هجری قمری ختم شده است و در چند مورد به زمان های پس از می پردازد.انتخاب این نام برای کتاب حاضر در واقع تعریضی به نام و مفهوم ضعیفه است و بر خوانندگان است که پس از خواندن کتاب بپذیرند که زنان این عصر ضعیفه بوده اند یا ضعیف نگه داشته شده اند؟

بررسی مسائل زنان، این مجموعه که به بررسی جایگاه زن ایرانی در دوره های مختلف می پردازد بر آن است که مدارک متعدد فرودست کردن زنان ایرانی را واضحتر بنمایاند و با ذکر اسناد متعدد درزمینه های مختلف، واقعیات اجتماعی و فرهنگی اعصار را روشن تر بنمایاند.

**جنبش حقوق زنان در ایران، طغیان، افول، سرکوب، از 1280 تا انقلاب57**

نام کتابی است از [الیز ساناساریان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%B2_%D8%B3%D8%A7%D9%86%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%86)، استاد [علوم سیاسی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D9%84%D9%88%D9%85_%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C) در [دانشگاه جنوبی کالیفرنیا](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%AC%D9%86%D9%88%D8%A8%DB%8C_%DA%A9%D8%A7%D9%84%DB%8C%D9%81%D8%B1%D9%86%DB%8C%D8%A7)  که در سال [۱۹۸۲](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%B1%DB%B9%DB%B8%DB%B2_(%D9%85%DB%8C%D9%84%D8%A7%D8%AF%DB%8C)) توسط انتشارات [دانشگاه میشیگان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D9%85%DB%8C%D8%B4%DB%8C%DA%AF%D8%A7%D9%86) منتشرشده‌است. این­کتاب با دیدگاهی [جامعه‌شناختی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87%E2%80%8C%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C) به [جنبش زنان در ایران](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%86%D8%A8%D8%B4_%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%86_%D8%AF%D8%B1_%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86) می‌پردازد، و به عنوان منبع مورد استفاده بسیاری از محققان قرار گرفته‌است. کتاب جنبش حقوق زنان… در سال ۱۳۸۵ برنده جایزه تندیس [صدیقه دولت‌آبادی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D8%AF%DB%8C%D9%82%D9%87_%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA%E2%80%8C%D8%A2%D8%A8%D8%A7%D8%AF%DB%8C) شد.

[نوشین احمدی خراسانی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D9%88%D8%B4%DB%8C%D9%86_%D8%A7%D8%AD%D9%85%D8%AF%DB%8C_%D8%AE%D8%B1%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C)، نویسنده و فعال حقوق زنان که این کتاب را برای ترجمه به فارسی برگزیده است می‌نویسد: «تا کنون آثار و پژوهش‌های مختلفی درباره نقش زنان در تحولات یکصدساله اخیر به ویژه در دوران [مشروطیت](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%B4%D8%B1%D9%88%D8%B7%DB%8C%D8%AA) منتشر شده‌است اما ویژگی این کتاب که آن را از دیگر آثار چاپ شده متمایز می‌سازد، پرداختن به [جنبش زنان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%86%D8%A8%D8%B4_%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%86_%D8%AF%D8%B1_%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86) از زمان مشروطیت تا اوایل [انقلاب ۱۳۵۷](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8_%DB%B1%DB%B3%DB%B5%DB%B7) از منظری [جامعه‌شناسانه](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87%E2%80%8C%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C) است. تا کنون تحقیقات به عمل آمده در این حوزه نگاهی [تاریخ‌نگارانه](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE) و عمدتاً وقایع‌نگارانه داشته‌اند، اما نویسنده در این کتاب، وقایع تاریخی را دستمایه کار خود قرار داده تا تحلیلی جنسیتی از رویدادهای تاریخ معاصر ارائه دهد.

نویسنده در این کتاب جنبش زنان در ایران را در کنار دیگر کشورهای خاورمیانه قرار می دهد و رویدادهای ایران را در روندی ملی منطقه ای و جهانی زمانه اش بررسی می کند و در روند این بررسی، دیدگاه نظریه پردازان غربی و غیرایرانی را نیز ملحوظ می دارد و با این نگاه چند جانبه نگر، تحلیلی جنسیتی- جامعه شناختی از جنبش زنان ایران، در بافت ملی و بین المللی به دست می دهد. موقعیت زنان و ریشه های مشارکت اجتماعی و سیاسی آنان، خیزش جنبش حقوق زنان، زوال جنبش حقوق زنان، رسمیت بخشی و همگرایی، حقوق زنان و جنبش ضد شاه و دورنمای آینده، مباحث اصلی این کتاب هستند.

**خاطرات مریم فیروز (فرمانفرمائیان)**

این کتاب، مجموعه‌ای است از مصاحبه‌های خانم مریم فیروز و گفتار گوناگون وی د‌ر باب د‌وران کود‌کی، خانواد‌ه فرمانفرما و روابط این خانواد‌ه د‌ر عصر پهلوی، د‌وران رشد‌ و همچنین حواد‌ثی که د‌ر خانواد‌ه‌اش شاهد‌ بود‌ه است، سالهای تحصیل د‌ر خارج از کشور، ازد‌واج، طلاق و ازد‌واج مجد‌د‌، فرقه پیشه‌وری، فراماسونری، فعالیتهای حزب تود‌ه و فراز و نشیب‌های آن، د‌وران مهاجرت و فعالیتهای حزب د‌ر خارج از کشور، رابطه حزب با شوروی سابق، نهضت ملی شد‌ن صنعت نفت و د‌کتر مصد‌ق، جبهه ملی، مرد‌ان بانفوذ حزب،‌ تجاوز شوروی به افغانستان، اسلام و کمونیسم، فروپاشی کمونیسم و شوروی، سرد‌مد‌اران شوروی، آیند‌ه «چپ» د‌ر ایران و مسائل و مباحثی از این قبیل. مریم فیروز (فرمانفرما) د‌ختر عبد‌الحسین میرزا فرمانفرما، نوه عباس‌میرزا، همسر نورالد‌ین کیانوری د‌بیر اول حزب تود‌ه است. او عضو کمیته مرکزی حزب و مسئول تشکیلات به اصطلاح د‌مکراتیک زنان و... بود‌. وی د‌ر این کتاب و طی مصاحبه‌های مختلف از خاطرات، حواد‌ث، تجربیات، فعالیتهای سیاسی و... طی 80 سال زند‌گی و حد‌ود‌ نیم قرن فعالیت سیاسی خود‌ سخن می‌گوید‌.

کتاب خاطرات مريم فيروز ، شامل يک مقدمه است که مريم فيروز نوشته و همراه دست خطش به چاپ رسيده است. او در مقدمه کتاب، خود را چنين معرفي مي‌کند «من مريم فرمانفرمائيان فيروز دختر عبدالحسين ميرزا فرمانفرما نوه عباس ميرزا وليعهد ... من هشتاد ساله هستم و اسناد و مدارک لازم را آنگونه که شايد و بايد در اختيار نداشتم. گذشته از اين، در سن من خاطره و يادها نمي‌توانند تروتازه و بي عيب باشند اما کوشش کرده‌ام که آنچه را ديده‌ام و خود زندگي کرده‌ام براي خوانندگان بنويسم و همان گونه که در سراسر زندگي شعار و عقيده ام بوده است به هيچ زني توهين نکنم و نام کسي به خصوص زنان را با بدي و يا ايرادهاي نادرست لکه دار نسازم ... »1 اين مصاحبه توسط خانم صفايي، زيرنظرمؤسسه تحقيقاتي ديدگاه انجام گرفته است . کتاب در 163 صفحه تنظيم و در خاتمه 48 قطعه عکس که بعضاً خانوادگي مي‌باشد، به چاپ رسيده است.

کتاب با خاطرات کودکي و معرفي خانواده مريم فيروز آغاز مي‌شود. او در اين بخش به معرفي پدر و مادر خود پرداخته و در بخش ديگر با عنوان «مردان مشهور فرمانفرما» توضيحاتي درباره زندگي برادران و برادرزاده اش مظفر فيروز داده است. او همچنين توضيح مختصري درباره چگونگي تحصيلات و نحوه ازدواج خود و خواهرانش داده که در بخش ديگري از کتاب آورده است. پس از اين مقدمه چينيهاي اوليه مريم فيروز انگيزه‌هاي خود را براي پيوستن به حزب توده و به طورکل ورود به عرصه سياست، در چند بخش مفصل توضيح مي‌دهد که چرا و چگونه به اين راه که با فرهنگ و منش زندگي اشرافي اش منافات بسيار داشت گرايش پيدا کرد. در يک جمله و بسيار مختصر مي توان گفت پدر و مادرش خصوصاً عبدالحسين ميرزا فرمانفرما و اختلافاتش با حکومت پهلوي و همچنين وضعيت اجتماعي زنان از انگيزه‌هاي اصلي او را در اين گرايشها بوده است. سپس درباره حزب توده و چگونگي و نحوه ورودش به اين حزب را کاملاً توضيح مي‌دهد.

قسمت عمده کتاب به بررسي شخصيتهاي مطرح و همچنين دست اندرکاران حزبي پرداخته است.مريم فيروز در مورد تک تک اين افراد به فراخور مقام و برخوردش با آنها شرحي ارائه کرده، افرادي مانند بدرالمنير علوي، زهرا اسکندري، جميله صديقي، احسان طبري، خسرو روزبه و... . بنابراين خواننده علاوه بر آشنايي با شخصيتهاي حزب توده با نوع روابط درون حزبي خصوصاً اختلافات داخلي حزب آشنا مي‌شود. او علاوه بر اشخاص خاص حزبي در چند بخش از نورالدين کيانوري همسرش مطالبي آورده است که شامل ديدگاهها، نظرات، فعاليتها و همچنين روابط و اختلافات کيانوري با سردمداران حزب توده است. مريم فيروز علاوه بر فعاليتهاي حزبي به زندگي خصوصي خود نيز در کنار کيانوري، دوران زندگي مخفيانه در تهران، مهاجرت به اروپا، تحصيل، کار و روابط با دوستان و مسافرتهايش پرداخته است.

 در بخشهايي از کتاب مريم فيروز به بررسي و توضيح بعضي از وقايع ايران که حزب توده در آن نقش داشته و يا خود او نقد و نظري در رابطه با آن موضوع داشته مطالبي ذکر کرده است و تا حدودي ديدگاههاي او براي ما روشن مي شود، مانند ملي شدن صنعت نفت، قيامها و فرقه‌هايي چون قيام جنگل، قيام کلنل محمدتقي پسيان، پيشه وري و... همچنين پيرامون بعضي از سازمانهايي که قبل از انقلاب اسلامي شکل گرفتند از جمله سازمان مجاهدين خلق و چريکهاي فدائي خلق و در نهايت به بررسي سياستهاي شوروي درباره بعضي از کشورها و آينده چپ درايران و سرنوشت کمونيسم مي‌پردازد. او هرگز نپذيرفت که کمونسيم شکست خورده: «من عقيده ندارم که کمونيسم شکست خورده، ممکن است عقب نشيني کرده باشد وليکن شکست نخورده است».2 در خاطرات مريم فيروز در يکسري بي نظميهاي تاريخي و در بعضي مواقع با اشتباهاتي چون نام افراد يا روزنامه رو به رو مي‌شويم که براي مطالعه دقت بيشتري را مي‌طلبد.

**زنان زیر سایه پدر خوانده ها**

- روزی که از واژه فمینیست برای هویت جدیدم استفاده کردم، نمی دانستم به راستی فمینیسم چیست؟ اگر چه الان هر چه پیش می روم ، سؤالاتم افزوده می شود، نه اینکه دچار ابهام شده باشم، بلکه حالات چرایی همه چیز برایم مهمتر شده است!

دوست نداشتم به خودم فمنیست بگویم اما .... همانطوری که گاهی فقط ادعای روشنفکری می کنی و بعد می فهمی حتی دلت نمی خواهد بچه هایت بدون اجازه تو آب بخورند.

- تا همین یکی دو قرن پیش همه چیز زنانه ـ مردانه بود. بایدهایی وجود داشت که زنان یا مردان باید آنرا انجام می دادند، کاری که فمینیست ها انجام دادند برداشتن همین بایدها بود؛ بدیهی است که مسئله به سرعت سیاسی شد، چون خنده دار است که تو بگویی باید و نباید نداریم، بعد از حکومت زور بشنوی.

- اصلاح جامعه و جهان در شرایط منزوی قابل حصول نیست و اگر مردان فکر کنند با ایستادن روی شانه های زنان، از فرو رفتن مصون می مانند، براستی در اشتباه اند.

**دورنمای جنبش اجتماعی زنان:**

ما زنان خواسته هایی داریم : ... ، نمی خواهیم چون زن هستیم از حقوق اجتماعی کمتری برخوردار باشیم. می خواهیم چون انسانیم حق داشته باشیم نه الزاما قدرت و ... اما مهم آن است که این خواسته ها تنها با تغییرقوانین حاصل نخواهند شد بلکه فراتر از آن با ایجاد تغییر در شیوه و نگرش به زندگی قابل تحقق است. در واقع معضل اصلی زنان شیوه کنونی زندگی آنان است و از نظر من تغییر در شیوه زندگی را نمی توان  با کار کارشناسی تنها و در واقع از بالا به پایین و از طریق مجلس و دولت و ... به صورت دستوری و فرمایش ، آن هم در شرایط فعلی عملی کرد.

بنابراین کارشناسی دیدن حل معضلات زنان که عمده کردن یک وجه قضیه است، این اشکال را دارد که نمی تواند زمینه ساز تحولی عمیق در ذهن و باور زنان باشد بلکه این کارهای کارشناسی تنها تحت تأثیر شرایطی استثنایی می توانند تغییراتی ایجاد کنند ، آن هم نه به صورت پایدار.

به این نگرش توجه کنید :

در جامعه ما مرد اصل است و زن فرع، زیرا زن باید برای مرد بچه بیاورد تا نسل مرد تداوم یابد، چـون زن اگـر مثل شیر در جامعه حرف خود را بـزند تازه یک پا مرد مـی شود. چون مرد طلاق می دهد و زن طلاق می گیرد، اما زن را طلاق می دهند و به شوهر می دهند و ... .

آیا تغییر انبوهی از این نگرشها با کار کارشناسی قابل رفع است ، یا نیاز به یک جهاد عمومی است تا در راستای آگاهی بخشی به مردم به تغییر نگرششان نسبت به زن ، مرد ، مناسبات آنها و ... بپردازد .

**نگاه مضطرب مرد ایرانی به غرب :**

در اینجا می خواهیم به بررسی نگرش های گوناگون صاحبنظران مطرح کشورمان در مورد غرب ، بالاخص در حوزه زنان غربی بپردازیم . به طور کلی چهار نگرش در این رابطه قابل طرحند :

**1)  نگرش غرب ستیز:** گروهی که واکنش تدافعی نسبت به تمدن غرب دارند و آنرا یکپارچه پدیده ای جنسی می بینند. مردان سنتی از زاویه حفظ و حراست مایملکشان (یعنی زنان) به غرب حمله می کنند. این دیدگاه سنتی ، نا دانسته و یا به عمد ، مسائل جنسی زن غربی را چنان بزرگ جلوه می دهد که دستاوردهای عظیم غرب نادیده گرفته می شود .

**2)   نگاه پست مدرنیستی به غرب:** دو جریان عمده در این نگاه وجود دارد؛ جریانی که در واقع با نقد زن غربی به توجیه وضع موجود می پردازد و جریانی دیگر که بازگشت به گذشته را تبلیغ می کند و می خواهد از دل سنت ها راه برون رفتی برای وضع نابسامان زن ایرانی امروز  بیابد.

**3)     نگاه سنتی نیروهای چپ:** در این نگرش نیز دو گروه وجود دارند:

گروهی که در واقع از مدافعان حقوق زنان هستند ولی نظام سرمایه داری غرب را فاقد توان لازم برای جوابگویی به جنبش فمینیسم می دانند.

و گروهی دیگر که اصولاً فمینیسم را به عنوان توطئه غرب برای انحراف در مبارزات جامعه علیه نظام سرمایه داری می بینند.

اما از نظر من نقدهایی اینچنینی از تمدن غرب و وضعیت زنان در آنجا ، در نهایت به جای رفع مشکل به تقویت تسلط مناسبات سنتی جامعه و و بازماندگی وضعیت فعلی می انجامد، برای مثال زنی که شوهری خشن و سنتی دارد با نقد مرد روشنفکر (هر چند ممکن است تمامی نقدها درست باشد)، عملاً آینده ای را که قـرار است شوهرش به آن بـرسد را نقد می کند و انگیزه حرکت را از دست می دهد.

**4)  اعتقاد به دووجهی دیدن زن:**

دکتر شریعتی به عنوان سمبل این دیدگاه می گوید: زن اروپایی که ما در ایران می شناسیم زن موجود در اروپا نیست ، زن اروپایی موجود در ایران است، او معتقد است مقصود از آزادی، آزادی جنسی نیست بلکه آزادی انسان و حقوق اجتماعی است و دکتر شریعتی استقلال مالی زن غربی را مایه فساد او می داند که تنها موجب بحران خانواده می شود.

بدین ترتیب در این نوع نگرش نیز زن غربی پالایش شده و تنها چند صفت مثبت او مورد تمجید و بقیه صفات او نفی می شود راهی که پس از انقلاب اسلامی نیز مورد توجه بیشتر روشنفکران دینی قرار گرفت و علیرغم کمک به حرکتهایی رو به جلو مشکل بنیادی زنان را رفع نکرد و نکرده است .

**اخلاق سنتی در مقابل تکثرگرایی و نظام واژگان زنانه:**

در جوامع سنتی بیم و نگرانی های زیادی وجود دارد که افراد بسیاری را از انتساب به مکتبی خاص باز می دارد (مثلاً از بُعد امنیتی) اما مشکل ما زنان آن است که همه ی چیزهای مربوط به ما ، بُعد اخلاقی پیدا مـی کند. یعنی بیم و نـگرانی زنان بـرای انتساب واژه فمینیست شکلی مطلقاً اخلاقی بـه خود  می گیرد.

در واقع نظام مرد سالار با توسل به هر حربه ای و به عنوان تولید کننده اصلی وجدان عمومی جامعه عمل می کند و ارزشهایش را از طریق خانواده ، دولت ، مذهب و... به شخص تحمیل می کند ، این ارزشها  درونی می شود و شخص آنها را به صورت وجدان با خود حمل می کند. به این ترتیب زنانی که به ظاهر از مردانشان نافرمانی می کنند، حتی با وجدان خود محکوم می شوند ، وجدانی که در هر حال زیر چتر وجدان مردانه حاکم شکل گرفته است.

(مثلاً طلاق زنان به لحاظ قانونی جرم نیست اما به لحاظ اخلاقی حتی در باور خود زنان امری ناپسند و حتی غیر اخلاقی و ... به حساب می آید)

**نفت، تجارت و اسارت زن:**

از میان عوامل مهم اقتصادی که سبب عدم رشد زنان ایران شد می توان به سه عامل مشخص اشاره کرد:

**1-  غلبه فرهنگ بازدارنده دنیاگریزی و آخرت طلبی:**

یکی از عوامل کلیدی عقب نگهداشتن زنان از مشارکت اقتصادی به عنوان عاملی بنیادی در توسعه آنان آخرت گرایی کاذب آنان است. در حالیکه در اروپا بعد از دوره رنسانس این افزایش ثروت بود که به صورت یک ارزش تضمین کننده آخرت مطلوب به حساب آمد.

در بسیاری از خانواده های طبقات متوسط و حتی فرودست جامعه ایران با وجود امکانات محدود مالی، بسیاری از خانواده ها تنها به درآمد یک فرد (مرد خانواده) قناعت می کنند. و زنان بر اساس باورهای دینی به امور شوهر داری و فرزند آوری و خانه داری می پردازند تا به آخرتشان خدشه ای وارد نشود .

2**- حاکمیت فراگیر مناسبات بازار سنتی:**

اقتصاد ایران به صورت مناسبات تجاری وابسته و دلالی شکل گرفته است که باعث عدم ورود زنان به بازار کار شده است زیرا در نبود تولید صنعتی و رقابت در مناسبات خشونت بار دلالی، احتیاج به تخصص و یا حتی نیروی برتر جسمی نیست بلکه نیازمند سلطه گری ای است که بر اساس رشد اجتماعی جوامع ویژگی مردانه شده است.

**3-  دسترسی به درآمد سرشار نفت و استفاده نابخردانه از آن:**

درآمدهای انبوه نفتی در ایران و نبود فرهنگ تولید باعث از بین رفتن زمینه های رشد اقتصادی همه جانبه می شود ، وقتی تولید گسترده وجود نداشته باشد، فرصت شغلی نیز چندان وجود ندارد و مردان نیز به سبب وجود درآمد نفت این قدرت را یافته اند که از اشتغال زنان جلوگیری کنند و اندک فرصتهای شغلی موجود را برای خود نگه دارند .

**ماندگاری و زوال «شیوه ها» در حرکت اجتماعی زنان ایران:**

با توجه به بکارگیری روش های استفاده شده در حرکت اجتماعی زنان سه گرایش عمده وجود دارد:

**1)  گرایش نفی گرا:**برخی مدافعان رهایی زن ایرانی با مطالعه برخی آثار فمینیست های جوامع غرب، به ناگهان بر حذف دفعیِ مظاهر سخن می رانند که نه تنها میلیون ها ایرانی نیاز آنرا حس نمی کنند، بلکه به آسانی در مقابل آن جبهه می گیرند (مثلاً لغو مهریه و نفقه بدون توجه به اینکه تنها 9% زنان از نظر اقتصادی مستقل هستند).

**2)  گرایش ثبات گرا :** این گرایش گرچه در شعارهایش رفع تبعض را مورد نظر قرار می دهد اما قائل به حرکتی مستقل و صنفی برای تعدیل و رفع نابرابریها نیست. گروههای ثبات گرا به دلیل نپذیرفتن استقلال حرکت زنان، آن را چنان با اگرها و تبصره ها مشروط می کنند که این خواسته ها تا سطح وضع موجود تنزل می یابند. مثلاً اینان معتقدند که، هدف اسلام تعالی زن است و نه لزوماً اشتغال زن.

**3)  گرایش اصلاح گرا:** مدافعان این گرایش معتقدند مطرح کردن حرف آخر در ابتدای راه از مرداب نابخردی سیراب می شود. از این رو عمل تدریجی همراه با تسامح و صراحت، یگانه طریق ممکن و عقلانی از نظر آنان است. اصلاح گرایان سعی دارند در اذهان همه شهروندان لا اقل در رابطه با نحوه بکارگیری قدرت ، تخم تردید بنشانند.

**ما از بیرون به خودمان می نگریم!؟**

امروزه مسائل زنان ایران به مسئله مورد علاقه جامعه بین المللی تبدیل و باعث تزریق رانت های خارجی به این جنبش شده است، این تزریق ها از یک طرف سودمند است چون باعث گسترش این تشکل ها می شود، اما مشکلاتی مانند سطحی نگری را به دنبال دارد و در درازمدت اگر جامعه نتواند سیستم های حمایتی خود را به وجود آورد و تنها به همان بیرون بسنده کند هیچگاه تحول واقعی صورت نمی گیرد. نگرانی هایی نیز وجود دارد که وقتی روابط غیر دوستانۀ دولتها به آشتی بیانجامد و توجه جامعه بین اللمل بدون حل مسائل موجود، معطوف به موضوعات دیگر شود، نیروهای مترقی سرخورده شده و از ادامه راه باز می مانند... .

**تمکین زن ایرانی، شیوه معتاد زندگی اوست :**

نهادینه شدن روحیه فعل پذیری و تمکین زن ایرانی، در واقع یک سنت دیرپای اجتماعی و محصول قرن ها آموزه های اخلاقی در منع آزادی و استقلال زن و اقناع وی به پذیرش جایگاه محدود خویش است.

در جای جای کتب قدیمی به نصایحی می رسیم که زن را نه به عنوان یک چهره انسانی بلکه همچون موجودی مطیع که باید در یک سری استانداردهای مشخص جای گیرد، مطرح می کند.

اما امروزه جامعه ما به لحاظ کیفی از ساختار تاریخی اش فاصله گرفته و به تدریج هم این فاصله در حال افزایش است. اکنون زور بازو راه گشای تغییر اجتماعی نیست، بلکه در دوران حاضر، تعقل، تخصص و " قدرت خرد برتر" عامل تکامل اجتماعی است. یعنی قدرت جسمانی فرد، جای خود را به نیروی وحدت بخش اجتماع سپرده است. پس باید از این فرصت بهترین استفاده را کرد و ...

**جمع و تفریق زنانه :**

بحث گیس کشیدن زنان را از بچه گی بار ها شنیده ام ، همیشه دعوای من با خواهرانم با عنوان زنان ها با هم نمی سازند تعریف می شد و دعوای برادرهایم با این عنوان که مشکلی وجود دارد که باید حل اش کرد .بحث برسر این است که جاه طلبی برای مردان فضیلت است، اما برای زنان صفتی مذموم به شمار می آید .حتی خود زنها هم مردانی را که در زندگی پیشرفت و جاه طلبی ندارند را بی عرضه می دانند ، اما زن مظلوم و قابل ترحم را در تعریف خود یک زن خوب قرار می دهند. یعنی بدترین صفتها ( مثلا خشن بودن ) برای مردان حسن است ، اما بهترین صفتها ( مثلا عاطفی بودن ) برای زنان ضعف !!

پسران از بچه گی در کوچه و  خیابان بازی می کنند ،یاد می گیرند همکاری داشته باشند و اگر بچه های باهوشی باشند می توانند زمینه ای برای کسب تجربه از معاشرت ها فراهم کنند که در آینده به کارشان آید . در عوض دختران منحصر به فرد بودن را آموزش می بینند ، چون قرار است که دیگران انتخابشان کنند و تنها راه پیروزی اشان مجزا شدن از بقیه است . در این جا لوازم آرایش و آموزشهای زنانه نیز به کمک دختران می آیند که بتوانند یک شوهر درست و حسابی پیدا کنند تا در رقابت برای زندگی به ظاهر بهتر، پیروز شوند.

**وابستگی به سنت در ساختار خانواده ایرانی:**

یکی از عوامل مهم وابستگی خانواده ها به روابط دست وپا گیر خویشاوندی ، مسئله نیاز به هویت است که هم ارضا کننده روحی است و هم پشتوانه مادی و معنوی دارد .

از آنجا که تامین اجتماعی در ایران گسترش نیافته است و نیز احزاب و انجمن های متعددی وجود ندارد که به ایجاد و تقویت هویت افراد بپردازند ، وابستگی به خانواده ، قوم یاقبیله افزایش می یابد . از این رو تصمیم های سرنوشت ساز در خانواده های به ظاهر هسته ای و مستقل از سوی گروه خویشاوندی صورت می گیرد.

این مسئله در زنان تشدید می شود زیرا زنان به دلیل عدم اشتغال با نهاد های اجتماعی هیچ پیوندی ندارند و دارای هویت اجتماعی کمتری نسبت به مردان هستند. از این رو روابط سنتی و پیوند های خویشاوندی ، عموما از سوی زنان پی گرفته می شود . بنابر این ایجاد آگاهی وتقویت استقلال زنان از عوامل مهمی است که در تضاد با نظام خانواده سنتی در ایران است  .

**فرهنگ حق مدار در مقابل فرهنگ قیّم سالار:**

در همه کشور های جهان به طور کلی مواردی از حقوق بشر نقض می شود . اما در نظام حق مدار شرایطی وجود دارد که هر جا حقی پایمال شد بتوان به آن معترض شد . انواع حق کشی ها  که ظاهرا در همه جا وجود دارد ، در این کشور ها قابل تشخیص هستند . اما در نظام قیم گرا جایگاه حق و حقوق انسان ها در حوضه های گوناگون اجتماعی و فردی تعریف مشخصی ندارد و به جای آن قیومیت افرادی بر افراد دیگر روابط بین انسان ها را تعریف می کند .

مثلا دولت قیم مردم برای رساندن آن ها به سعادت است ، مردم در مقابل دولت تکلیف دارند نه حق ، مردم تکلیف دارند که رای دهند نه آنکه رای دادن حق آنها باشد ؛ و عدم ادای تکلیف قاعدتا در هر جامعه قیم سالاری در نهایت گناه تلقی شده و حتی جرم به حساب می آید .

در همین راستا روشنفکران به این نتیجه رسیده اند که جایگزین کردن قیم های بهتربه جای قیم های قبلی عملی رهایی بخش نیست بلکه بازی با زندگی جامعه است ، از نظ آنها باید سیستم قیم سالار به طور کلی منزوی شود.

**فمینیسم اسلامی :**

فمینیسم اسلامی به گروهی از زنان مذهبی اطلاق می شود که خواهان اصلاحاتی در وضعیت زنان  می باشند . در درون طیف فمینیسم اسلامی سه گروه قابل شناسایی است :

1.   بخش انگشت شماری از زنان مذهبی که از میان نیرو های غیر خودی برخواسته اند و هیچ گونه وابستگی به ساخت حکومت ندارند ، خانم شیرین عبادی از زنان این گروه است.

2.   طیف دیگر که وابستگی نزدیک با ساخت حاکمیت دارند. خانم فائزه هاشمی  مثال روشن این بخش است که وابسته به نگرش کلان نگر در مدیریت جامعه است و حداقل دارای این نگرش منطقی است که پاسخ ندادن به نیاز جامعه یا سرکوب نیاز های مردم اگر هم در کوتاه مدت شدنی باشد در دراز مدت عملی نیست .

3.   گروه سوم نه مانند گروه اول جزء افراد غیر خودی است ونه مانند گروه دوم به مراکز قدرت وابسته است اگر چه این گروه از قدرت فاصله دارد اما کاملا مبرا از آن نیست . مجله زنان منعکس کننده نظرات این گروه است  که نه تنها سعی در ترجمه خواست ها و انعکاس نیاز های زنان می کنند بلکه خود نیز مسبب به وجود آمدن نیاز و خواسته های جدید می شود .

**موانع تشکل های مستقل زنان :**

به طور کلی سه مانع اصلی را میتوان به گونه زیر طبقه بندی کرد :

1.   نبود تجربه مبارزه ی قانونی در ایران : در کشور ما ایران چرخه ( استبداد – فته و آشوب – استبداد ) چرخه مسلط تغییرات اجتماعی بوده است . گذشتگان ما تجربه های روشن و قابل اتکایی در حرکت ها آرام برای ما به ارث نگذاشته اند ، زیرا خود نیز در دام دایره ای بسته از اعتراضات خشونت بار و سرکوب هایی خشونت بار تر اسیر بوده اند.

از سوی دیگر چون مردم ایران حتی بسیاری از نخبگان آن ، توانایی هنجاری و قانونمند جامعه را نداشته اند ، در نتیجه سقوط یک دولت استبدادی سبب تغییر یک نظام استبدادی نمی شد زیرا نه جایگزینی برای این نظام وجود داشت و نه سازو کاری برای انتقال قدرت به مردم .

2.   حاکمیت فرهنگ محفل گرایی در کل جامعه : روابط و فرهنگ محفل گرایی در تارو پود ساختارجامعه ما رخنه کرده است . در واقع حاکمیت فرهنگ محفل گرایی ، زنان را در چارچوب محفل زندانی کرده است ، زن ایرانی می خواهد عمل کند و مسئولیت بپذیرد اما در روابط محفلی که جای عمل اجتماعی را گرفته است ، اسیر می شود.

3.    تسلط دو دیدگاه نفی گرا و ثبات گرا در حرکت اجتماعی زنان : نفی گرایان با دفع تمام مظاهر موجود ، زبان مشترک را که تنها وسیله گفت و گو است از بین می برند . در نتیجه نه می توانند جامعه زنان را قانع کنند و نه نیروی مقابل اش را به پذیرش حق وادار سازند. اما گرایش ثبات گرا از آن طرف بام می افتد یعنی نظم موجود را کاملا می پذیرد و در همین چارچوب موجود حرکت می کند. گرچه در ظاهر ، روش برخورد ثبات گرایان و نفی گرایان متفاوت است اما نتیجه شان یکی است و در تحلیل نهایی به تظعیف جامعه مدنی کمک می کنند .

**جایگاه و عملکرد تشکل های زنانه :**

اکنون که سازمان های بین الملی در ایجاد تشکل های مستقل زنانه پای می فشارند و کمک های مالی خود را فقط در اختیار سازمان های غیر دولتی قرار می دهند ، عده ای برای دریافت این رانت ها تشکل ایجاد می کنند، یعنی رانت گرفتن از سازمان های بین المللی انگیزه ای برای ایجاد این نوع تشکل ها شده است .

در عین حال که تشکیل تشکل های مستقل برای تحصیل حقوق انسان ها امری ضروری است اما این تشکل ها  ، هم از بالا با موانع جدی رو به رو هستند هم به طور ویژه با موانع فرهنگی عمومی در سطح جامعه دست به گریبان می باشند .

برای مثال تشکل های موجود زنان در ایران به پنج گروه تقسیم می شود :

1.      انجمن های صنفی زنان

2.      تشکل های خیریه

3.      انجمن های گروه های اقلیت مذهبی

4.      تشکل های اجتماعی

5.      تعاونی های زنان

اما از این بین تشکل های خیرییه بیش از همه مورد تایید نظام مرد سالار است .زیرا از آنجا که فعالان امور خیریه با طبقات فرو دست خود ارتباط دارند در واقع به زندگی و آزادی های محدو د خود دلبستگی بیشتر ی پیدا می کنند که این خود می تواند به تقلیل سطح خواسته ها در میان زنان منجر شود و نقش سنتی زن را به عنوان سرویس دهنده در جامعه استحکام می بخشد .

**پشت صحنه مراسم 8 مارس ، روز جهانی**

فکر کردیم خبری است ، همه می گفتند اتفاقاتی افتاده است ، ما هم به تکاپو افتادیم. طبیعی است که بیرون آمدن از خانه سخت بود ، ما در خانه حق داشتیم هر کاری بکنیم اما پا بیرون گذاشتن از در خانه ممنوع ! قدیم تر ها نباید برای خرید از خانه خارج می شدیم بعدا نباید برای تحصیل بیرون می رفتیم ، همین طور که گذشت شغل پیدا کردن هم ممنوع شد و حالا برای اعتراض به وضعمان نباید از خانه خارج شویم .اما اوضاع کم کم بهتر شد حال دیگر بحث بر سر آن است که باید کاری کرد : اگر حقی می خواهیم ، مسولیتش را هم باید بپذیریم و ...

**میراث مشترک ما زنان**

در اینجا صحبت از زن امریکایی و اروپایی نیست که با وجود همه درد های مشترک از آنها سخن نمی گوییم ، چرا که هرگاه حرفی زده ایم انگ غرب زدگی خورده ایم در حالی که وقتی در فرهای آمریکایی شام خوشمزه می پزیم مورد تشویق قرار می گیریم اما مبادا که سخنی از تولیدات اندیشه و تجارب مبارزات زن غربی به میان آوریم .

اینجا نمی خواهم از سیمون دوبوآر حرف بزنم که کتابش در50 سال پیش چه تاثیر مثبتی بر جنبش زنان داشت. می خواهم از رقیه بیگم بگویم که صد سال پیش در بنگلادش مدرسه دخترانه تاسیس کرد  می خواهم  از نوال السعداوی بگویم که در مصر علیه ختنه دختران جنگید . می خواهم ...

سخن آخر اینکه ما زنان ایران باید همگام با زنان سوری ، مصری ، افغان ، کویتی ، پاکستانی ، تاجیکستانی و ... برای صلح و حقوق انسان های جهان تلاش کنیم ، تلاشی آگاهانه ، چرا که این تنها راه است ؛

**منابع**

* احمدی خراسانی، نوشین (1384)، **زنان زیر سایه پدر خوانده ها**
* ببران، صدیقه (1381)، نشریات ویژه زنان: سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر
* حجازی، بنفشه ( 1381)، ضعیفه:بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی،نشر قصیده سرا
* خسروپناه، محمد حسین ( 1381)، هدف ها و مبارزه زن ایرانی: از انقلاب تا سلطنت مشروطه
* فیروز، مریم (1373)، خاطرات مریم فیروز (فرمانفرمائیان) مريم فيروز، خاطرات مريم فيروز، تهران، اطلاعات، 1373، ص11.
* ساناساریان ،الیز (1384) ،جنبش حقوق زنان در ایران، طغیان، افول، سرکوب، از 1280 تا انقلاب57، مترجم: نوشین احمدی خراسانی، 1384
* ملاح، مهرانگیز (1385)، زنان پیشگام ایرانی: خدیجه افضل وزیری(دختر بی بی خانم استرآبادی)